

که گفتار بر قول امام محمد درین باب کرده شود اول خواهد بود و در
اینست اقرار و ما که جاریست علی ارااد الله تعالی و نیز در این سخن
بر آنکه این آیات متشابهات شریک گشته است در ضلعی برادر
الهیات پس برستی و راستی که گمانی که تصدیق کنندگان فریب
نیند اعتقاد کرده اند در حق خداوند تعالی اعتقاد با باطل که حوسنا
الوہیة و قدیم است اما در نبوت پس کسی که عارف برینند بودی
تزیارین صفات کردانند بنامین را طوعه در نبوت محمد رسول الله
صلی الله علیه و سلم و گفته که اگر سفا بر بودی حقیقت از نزد خداوند
تعالی بر اینست که برین مرتبه او آن بودی حقیقت که عارف بودی بر
خویش پس چون نمی شناسد بروردگار خود را بلکه صفت میکند
بصفات محمد ثبات دلیل است که پنا بر نبوت حقیقت و اما در شرح
پس برستی و راستی این را وسیلت ساخته در طوفان کردن در
قرآن و گفته برستی و راستی که قرآن را که دانند و تبدیل کرده
و فرانی که بر محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم فرود آمده است ازین
خالی بوده است این چنین فتنها بسیار خاسته است در آیات
مشابهات و در اخبار متشابهات پس سلامتی از فتنه قدیم
که اصل سنت و جماعه میگویند از تلاوت و روایت زیاده گرفته

و اما

و آنکه گفت نیز از الله تعالی السلام الدنیا نزول را تاویل کرده اند که
فرود آمدن او و چیزی جز برای اقبال کردن است بران جزو اقبال
خداوند تعالی آن باشد که روی بخیزی کرد و او را بر آن باشد
که از چیزی اعراض کند ولیکن معنی اقبال نیلوی که رفتن بآن چیز
و معنی او را ترک نیلوی کردن باشد از آن چیز و این معنی اقبالی
است میان خلق و نیز تاویل کرده اند از نزول رحمت بر کسین
درمان وقت و بعضی تاویل کرده بر نزول جماعتی از اشرف
ملائیکه در آن وقت الهی بجای آورده باینست که اگر شخصی که
که آنچه از کلام عارف عالم ربانی شیخ نجیب میری معلوم میشود در نظر
میان معرفت عوام مؤمنین و خواص هم معنی است برینست
در حقیقت از اولیای که آنها قابل بوحود وجود نیستند و جمیع
التشبیہ والتشبیہ که مقرر قول بوحودت وجود است نیز شایع
میان معرفت عوام مؤمنین و معرفت خواص عباد الله المؤمنین
که بدانند که موجود و وجود واحد است و آن امر مطلق است
نفسه و سایر اشیا فرود و اعتبارات آنست چنانچه بالذکر
شد و این اصل متضمن ثبوت جمیع بین التشبیہ والتشبیہ است و هر
این را صدق انداز و عارضت و هر که این را انهدانند بلکه قابل تبیین